

# ایرلند: وحدت یا هماهنگی

اعتصاب غذای مصعمانه‌ی مبارزان آرتش جمهوریخواه

ایرلند (ایرا) در زندان "میز" بلفاست که تا کنون به مرگ چندین تن از آنها منجر شده، ایرلند را در صدر مسائل خبری جهان قرار داده است. گزارش زیر کوششی است در تشریح بیطرفای ابعاد مختلف و در هم آمیخته‌ی "مسئله‌ی ایرلند"، تا مقدمات لازم را برای اطلاع از وضعیت واقعی آن منطقه و قضاوت نسبت به آن در اختیار علاقمندان قرار بدهد.

ایرلند جزیره‌ایست در مغرب بریتانیا که بواسطه‌ی تنگه‌ی شمال از آن جدا می‌شود. مساحت آن ۸۲/۴۶۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن حدود ۴/۵ میلیون نفر است. دشت مرکزی وسیع و بسیار حاصلخیزی دارد که اطرافش را حلقه‌ای کوهستانی فرا گرفته است. به علت بارش فراوان (در جنوب سالانه بیش از ۲۰۳ سانتیمتر)، سرزمینی بسیار سبز و خرم است و به همین سبب به "جزیره‌ی زمردین" اشتهاش داشته‌است. اقتصادش عمدتاً "زراعتی و محصولات عمدتاً لبنیات و کنف است. پارچه‌های کتانی و توریهای آن شهرت جهانی دارد و فرآورده‌های لبنی‌اش به کشورهای اروپائی و سایر نقاط جهان صادر می‌شود. صناعت ایرلند که عمدتاً "صنایع کشاورزی بوده و در اطراف بلفاست تمرکز داشت، در دهه‌های اخیر با کمک سرمایه‌های انگلیسی و شرکتهای چند ملیتی در شمال و جنوب توسعه یافته‌است و فیهراز صادرات مهم صنعتی این کشور است. اکثر مردم پیرو مذهب کاتولیک هستند و بخصوص در ناحیه‌ی شمالی اقلیت مهمی از پروتستانها وجود دارد. زبان بومی آن "گیلی" نام دارد.

ایرلند، در حال حاضر، از جنبه‌ی سیاسی به دو بخش منقسم است: ایرلند شمالی

(با آلستر) ، مرکزش بلفاست ، و شامل لاندن دری (که سکنه‌ی این شهر اکثراً " پروتستان هستند ) ، و جمهوری ایرلند ( ایرلند جنوبی یا ایره ) ، مساحت حدود ۶۹ هزار کیلومتر مربع جمعیت حدود ۳ میلیون نفر ، مرکزش دوبلین .

ایرلند ، از لحاظ تاریخی مشتمل بر چهار ایالت است : آلستر ( شامل شهرهای بلفاست ولاندن دری که فعلاً " بین ایرلند شمالی و جنوبی منقسم است ، لنستر ( شامل شهر دوبلین ) مانستر ، و کانات ( هر سه جز " جمهوری ایرلند ) . ریشه‌یابی " مسأله‌ی ایرلند " وجوه تاریخی اقتصادی ، قومی ، و مذهبی مختلفی را در بر می‌گیرد .

### نگاهی تاریخی

این سرزمین تاریخی دراز دارد که به قبل از ظهور دین مسیح بر می‌گردد . در قدیم ، رومیها به این جزیره نیامدند و انگلوساکسونها تا " تیر عمده‌ای بر آن نداشتند . مردم منقسم به قبایلی و تابع شاهانی بودند که به نوبه‌ی خود تحت حکومت " شاه والای " ایرلند قرار داشتند . از حدود ۱۱۶۹ میلادی انگلیسیان اشغال ایرلند را شروع کردند . مبارزه ایرلندیها با انگلستان قریب ۸۰۰ سال ادامه داشت . در این دوران ، انگلیسیان اهالی ایرلند را از مزایای قوانین خود محروم کردند . اختلاف مالک و رعیت رابه وجود آوردند که تا دوره‌ی معاصر از مسائل جانگزی ایرلند بود . \* مردم ایرلند حتی اشراف آن را دچار منته‌القدر و تنگدستی کردند . قوانین کیفری علیه کاتولیکها به وضع رسید و کشمکش دو قوم رنگ مذهبی نیز گرفت . ایرلندیها از حقوق مدنی محروم شدند .

این مظالم به سه شورش سخت در زمان الیزابت اول ( ملکه‌ی انگلستان در سالهای ۱۵۵۸ - ۱۶۰۳ ) منجر گردید که به نحو خونینی توسط سربازان انگلیسی سرکوب شدند . انقلاب

\* مسأله‌ی اراضی در ایرلند که در قرن ۱۹ به صورت بحرانی درآمد ، از قرنهای قبل سابقه داشت . در قرن ۱۲ م ، که انگلوساکسونها به ایرلند تاخته اراضی سرکردگان قبایل آنجا را تصرف کردند ، نوعی نظام ملاکی فئودال بر ایرلند تحمیل شد . در دوره سلطنت ( ۱۲۸۵ - ۱۶۰۳ ) سلسله‌ی تودور بر انگلستان . ضبط کردن اراضی ایرلند از طرف ملاکین ساکن انگلستان شدت بیشتری گرفت . این وضع نا مطلوب در دوره‌ی اولیور کرامول ( عملاً " از ۱۶۴۴ تا ۱۶۵۸ ) شدت یافت ، و وی بعد از لشکرکشی به ایرلند ( ۱۶۴۹ ) ، مقدار زیادی از اراضی ایرلند را گرفته بین سربازان خود تقسیم کرد . ضبط اراضی در ادوار بعد نیز ادامه یافت . در قرن ۱۸ م ، به موجب قوانین کیفری ، کاتولیکها از خرید یا اجاره‌ی اراضی به بهای مرسوم ممنوع شدند . از اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ ، قوانین ظالمانه به تدریج تعدیل شدند . تا ۱۹۲۱ دو ثلث اراضی به مالکیت ایرلندیها برگشت و کمی بعد ، به موجب قوانین خاص ، بقیه‌ی اراضی نیز به ایرلندیها واگذار شد که بهای آن را به اقساط به دولت برده‌اند . در ۱۹۲۲ ، کشور آزاد ایرلند از پرداخت این اقساط سالیانه سر باز زد . دستکش‌های بهره‌دازند . در ۱۹۲۲ ، کشور آزاد ایرلند از پرداخت این اقساط سالیانه سر باز زد . دستکش‌های بهره‌دازند . در ۱۹۲۲ ، کشور آزاد ایرلند از پرداخت این اقساط سالیانه سر باز زد . دستکش‌های بهره‌دازند .

که بر سر این موضوع در گرفت سرانجام در ۱۹۳۸ به نفع ایرلند خاتمه یافت

وسیع دیگر مردم ایرلند در نیمه‌ی قرن هفدهم که حدود ده سال ادامه یافت. با کشته‌شدن ششصد هزار نفر، با قساوت توسط کرامول سرکوب گردید.

جنگهای انقلاب امریکا به نفع مردم ایرلند تمام شد. پروتستانها سپاهی داوطلب برای دفاع در مقابل هر نوع مداخله‌ی خارجی تشکیل دادند. به کمک همین سپاه بود که موافقت انگلستان برای دایر کردن مجلس مستقلی در ایرلند جلب شد (۱۷۸۲). این مجلس کاری از پیش نبرد و بالاخره در ۱۸۰۰ مجالس دو کشور یکی شدند و نمایندگان ایرلند با اکراه در پارلمان بریتانیا (و ست مینیمستر) عضویت یافتند.

در ۱۸۲۹ قانون آزادی کاتولیکها به تصویب رسید، اما سایر علل نارضایتی در ایرلند بر جای ماند. اکثر زمین‌های زراعتی هنوز در اختیار انگلیسیان بود. کلیسای ایرلند در ۱۸۶۹ منحل شد. در دهه‌ی ۱۸۴۰ - ۵۰، آفت سیب زمینی شروع شد و ظرف پنج سال باعث مرگ حدود یک میلیون ایرلندی و مهاجرت ۱۶۰۰۰۰۰ میلیون نفر (بخصوص به امریکا) گردید. مهاجرین به مخالفت با حکومت ظالمانه‌ی انگلستان پرداختند. با کمک آنها، نهضت فرمانروائی میهنی<sup>۱</sup> در ایرلند شیوع یافت. هدف این نهضت، نسخ قانون اتحاد ۱۸۰۰ و تأسیس یک مجلس ایرلندی در چار چوب امپراطوری بریتانیا بود. چون هدفهای این نهضت در پارلمان بریتانیا با مخالفت روبرو شد، نهضت شین فین<sup>۲</sup> (به زبان گیلی = ما خودمان) که خواستار استقلال کامل بود جای آن را گرفت. این نهضت که در حزبی به همین نام متظاهر بود، تا جنگ جهانی اول قدرت چندانی نداشت. پس از سرکوبی خونین شورش عید پاک (۱۹۱۶) توسط انگلیسیان، شین فین تجدید سازمان یافت و مجلس ایرلند (دابل ایرن)<sup>۳</sup> استقلال ایرلند را اعلام نمود. انگلیسیها قشون برای سرکوب فرستادند و سراسر ایرلند را دچار وحشت و هراس کردند، اما مقاومت ایرلندیها افزایش یافت. در سرتاسر این دوران، بهدایت نویسنده‌گانی چون برنار شاو و جیمز جویس و نیز تئاتر ابی<sup>۴</sup> حس ملیت ایرلندیها را تحریک و تقویت کرد.

کشمکشهای بعدی سرانجام منجر به آن شد که در نتیجه‌ی مذاکرات لوید جورج نخست‌وزیر بریتانیا و د/والرا<sup>۵</sup> رهبر شین فین، کشور آزاد ایرلند تشکیل گردید (۱۹۲۱) که جزء تخا‌شاخانه‌ی ابی<sup>۴</sup> - تئاتری در دوبلین که در اوایل قرن ۲۰ محل نمایش آثار بزرگان ادب و هنر ایرلند بود و در برانگیختن احساس ملیت دوستی و مقاومت مردم سهمی مهم داشته ایمن د/والرا<sup>۵</sup> (۱۸۸۲ - ۱۹۷۵)، سیاستمدار و از رهبران شاخص مبارزات استقلال جویانه‌ی ایرلند. در شورش عید پاک شرکت داشت (۱۹۱۶). چندین بار در انگلستان و ایرلند زندانی شد. به دلیل نارضایتی از موافقتنامه‌ی تشکیل کشور آزاد ایرلند (۱۹۲۱) از مجلس ایرلند استعفا داد و رهبری جناح چپ شین فین را به عهده گرفت. کشور آزاد ایرلند یکسال او را زندانی نمود. در ۱۹۲۶ حزب فینه‌فال را تأسیس کرد که هنوز از احزاب اصلی ایرلند جنوبی است. پس از چندین بار وزارت و نخست‌وزیری، از ۱۹۵۹ به ریاست جمهوری ایرلند جنوبی انتخاب شد و تا ۱۹۷۳ این سمت را داشت.

کشورهای مشترک المنافع بریتانیا بود. شش ولایت پروتستان نیز دومینیون ایرلند شمالی را تشکیل دادند جمهوریخواهان جنوب از این تجزیه ناراضی شدند، و شین فین به دو جناح چپ (بهربری د/والرا) و راست منشعب گردید. جنگ داخلی درگرفت و سرانجام عناصر محافظه کار پیش بردند و در ۱۹۲۲ رهبر آنها به نام کاسگریو\* رئیس شورای اجرائی کشور آزاد ایرلند شد. در ۱۹۳۲ د/والرا جای او را گرفت. قانون اساسی ۱۹۳۷، کشور آزاد ایرلند را به جمهوری مستقل ایره (نام گیلی ایرلند) تبدیل نمود که در سیاست خارجی با کشورهای مشترک المنافع بستگی داشت. در جنگ دوم ایرلند بیطرف ماند. ارتش جمهوری خواه ایرلند (سلف ارتش جمهوریخواه کنونی و دیگر نیروهای انقلابی کنونی) به تحریکات خود علیه جدائی ایرلند شمالی ادامه داد.

سرانجام به موجب "قانون جمهوری ایرلند" (۱۹۴۹)، ایرلند جنوبی به کلی مستقل شد و در ۱۹۵۵ به عضویت سازمان ملل متحد و در سالهای بعد به عضویت بازار مشترک اروپا پذیرفته شد..



مطالبی این تاریخچه مختصر به خوبی نشان می دهد که اغتشاشها و ناآرامی های کنونی ایرلند ریشه های واحد ندارد. عداوت نسبت به انگلیسیان - که از قرنهای دراز سرکوب و تجاوز منشعب است - در "ناخودآگاه" بسیاری از ایرلندیان جای گرفته است. اختلافات و تمصبات مذهبی نیز جای مهمی دارد. پروتستانها (حدود یک میلیون نفر) که در شمال اکثریت دارند (در برابر حدود نیم میلیون کاتولیک)، از وحدت دو ایرلند، که آنها را هر مجموع در اقلیت قرار می دهد، هراسنا کند. ضمناً، در همین حال که برای پیشگیری از این واقعه اجباراً به حمایت دولت انگلستان متکی اند، نسبت به آن دولت کاملاً مطمئن نیستند به همین دلیل نیز تا کنون چندین بار نسبت به مذاکراتی که از چند ماه قبل میان دو بلین و لندن بر قرار بوده است هشدار داده اند.

تعداد کاتولیکها نیز از اوایل قرن نسبت به پروتستانها رو به تزاید بوده است. این موضوع که باعث تقویت روحی و عملی کاتولیکها شده، پروتستانها را بیش از پیش اندیشناک ساخته است. قدرت امپراطوری بریتانیا افول کرده و بخصوص در سالهای اخیر، آن کشور - و بالطبع متحدان آن - دچار نابسامانیهای اقتصادی شدید بوده اند. رونق و رفاه و امنیت در بریتانیا متزلزل شده و بنابراین فرصت های مناسب اجتماعی در اختیار گروههای سیاسی و مذهبی قرار گرفته است. جمهوریخواهان جنوب هنوز در ادعای وحدت دو ایرلند باقی هستند

---

\* ویلیام تامس کاسگریو (۱۸۸۰ - ۱۹۶۵)، سیاستمدار ایرلندی در نورش عبد پاک شرکت داشت (۱۹۱۶). پس از موافقتنامه ی تشکیل کشور آزاد ایرلند (۱۹۲۱)، از رهبران جناح راست شین فین بود. در انتخابات ۱۹۲۲ به ریاست دولت آزاد ایرلند برگزیده شد. ده سال بعد از د/والرا شکست خورد و تا ۱۹۴۴ رهبر حزب مخالف دولت در مجلس بود.

و از کمک‌های سیاسی و نظامی به کاتولیک‌های شمال خود داری ندارند. کاتولیک‌های مهاجر به سایر کشورها (بخصوص آمریکا) نیز از این موج حمایت می‌کنند. گفته می‌شود که بعضی کشور های دیگر (منجمله لیبی) نیز در تحریکات آلستردست دارند. جنبش‌های چپ‌جوانان اروپائی (چون بریگاد سرخ ایتالیا و همتایش در آلمان) نیز انقلابیون و چپ‌روان "ایرا" را تقویت می‌کنند. در عین حال، باید توجه داشت که علیرغم موجود بودن جناح‌های چپ و انقلابی در مبارزان ایرلند شمالی (که شرح آن خواهد آمد)، این نهضت اساساً "قیامی ناسیونالیستی متکی به تمصبات و نهاد گزائی مذهبی است. اینک، به منظور آنکه دسته بندی‌های شمال و جنوب ایرلند تا حدودی مشخص شود، به تشریح آنها می‌پردازیم.

#### آرایش نیروها در جمهوری ایرلند

همانطور که گفته شد، از زمان تشکیل کشور آزاد ایرلند و تجزیه سیاسی آن کشور (۱۹۲۱) جمهوریخواهان جنوب به جناح‌های چپ و راست منشعب شدند. در حال حاضر، علاوه بر حزب کوچک کارگر (طرفدار اتحادیه‌های کارگری به سیاق حزب کارگر در انگلستان) که گرسیه‌های محدودی در مجلس دارد، دو حزب عمده‌ی ایرلند جنوبی عبارتند از فین گال<sup>۷</sup> (خانواده‌ی ایرلندیها) و فینه‌فال<sup>۸</sup> (گروه سرنوشت).

تا قبل از انتخابات دو سه ماه قبل، فینه‌فال، برهبری چارلز هافی، حکومت را به دست داشت. بعد از این انتخابات، کارت فیتز جرالدهر فین گال با همراهی نمایندگان حزب کارگر دولت را تشکیل داده که با سه کرسی اضافی اکثریت ضعیفی دارد. فین گال راتجار و صاحبان صنایع بیشتر حمایت می‌کنند و اتحاد آن با حزب کارگر باعث حیرت ناظران شده است.

به دنبال دامن گرفتن اعتصاب غذای مبارزان ایرلند شمالی، نخست‌وزیر قبلی مذاکراتی را با دولت خانم تاچر آغاز کرد که از همان ابتدا با بدگمانی و عکس‌العمل پروتستانها مواجه شد. نخست‌وزیر تازه نیز این مذاکرات را ادامه می‌دهد و شکاکیت پروتستانها کماکان به جزی خود باقی است.

فیتزجرالد، پس از رسیدن به نخست‌وزیری در مصاحبه‌ای اظهار کرد که: "ما نمی‌توانیم خود را از آنچه که در شمال می‌گذرد مصون بدانیم. به عنوان یک دولت و به عنوان یک ملت ما منافع حیاتی خاصی در ثبات و آرامش ایرلند شمالی داریم". او که عازم ملاقات با تاچر است، اخیراً "کوشش می‌کند که با از میان برداشتن محرمانه بودن مذاکرات، ترس پروتستانها را تقلیل دهد. او امیدوار است با این شعار که "وحدت مردم مهمتر از وحدت سرزمین‌هاست راه گفتگو با پروتستانهای شمال را همراه کند. اما این نیت او تا کنون پاسخ مساعدی نیافته است. یکی از رهبران پروتستانها اعلام کرده که "حوزه‌ی صلاحیت فیتزجرالد نمی‌تواند تا شمال ایرلند توسعه یابد".

علاوه بر شدت یافتن بحران اقتصادی، مشکل جمهوری ایرلند آنست که نمی‌تواند نسبت به عکس‌العمل‌های عاطفی مردم در مورد اعتصاب غذا و مرگ زندانهای شمال بی تفاوت باشد

در انتخابات اخیر، ۹ تن از مبارزان "ایرا" که در شمال محبوسند، حدود ۱۵٪ از آراء رایبه دست آوردند و دو تن از آنها به عضویت مجلس دوبلین انتخاب شدند.

البته باید توجه داشت که به علت حوزه بندی انتخابات در شهرهای ایرلند (مثل انگلستان)، پیروزی افراد مذکور را نباید لزوماً به معنای حمایت سرتاسری مردم جنوب از آنها تعبیر کرد. آنها تنها در حوزه‌هایی خاص نفوذ دارند که اینک در ایرلند شمالی هم — چنین است. انتخاب شدن بابی ساندز از ایرلند شمالی به پارلمان انگلستان — چندی قبل از درگذشتش نمونه‌ای از همین موضوع به شمار می‌رود.

در حوزه‌ی مشکلات اقتصادی، فیتزجرالد در همان مصاحبه معتقد است که "اقتصاد ایرلند اساس سالمی دارد. ما کشوری هستیم با ظرفیت‌های خاص برای پیشرفت، و نرخ رشد ما از بریتانیا بیشتر است. البته، رکود اقتصادی بریتانیا بر اقتصاد ما اثرات ناگوار دارد، بخصوصی که اکثر صادرات ما به آنجاست. معه‌ذا، ما منابع قابل ملاحظه‌ای داریم که فعلاً در مرحله‌ی حداکثر بهره‌برداری نیستند. اراضی ایرلند نمونه‌ی کاملی از آنهاست. از این اراضی می‌توان به مراتب در سطح بیشتری بهره‌برداری کرد. ما منابع معدنی سرشار داریم، از جمله گاز و نفت، که ده سال قبل برای هیچکس قابل تصور نبود. همچنین، منبع مهم ویژه‌ای داریم که نسلی از جوانان تحصیل کرده است. این منبع به ما امکان می‌دهد که اقتصادمان را با دامن‌های بیشتر از تمام کشورهای اروپائی توسعه دهیم. ما نیازی به وارد کردن نیروی کار نداریم که در گذشته از عوامل توسعه‌ی اقتصادی کشورهای اروپائی بوده است. ما جوان‌ترین کشور اروپا هستیم. در واقع، تقریباً "یک سوم از رأی دهندگان ما کمتر از بیست سال دارند که برای کشوری توسعه یافته منبع حیاتی و با اهمیتی به شمار می‌رود."

معه‌ذا، با وجود خوش بینی فیتزجرالد، باید توجه داشت که وضع کنونی اقتصاد ایرلند جنوبی نگران کننده است. نرخ تورم ۱۸٪ و بیکاری بالغ بر ۱۰٪ است. کسر بودجه‌ی امسال به ۱/۴ میلیارد دلار بالغ می‌شود. بدهی به بانکها و وام دهندگان بین‌المللی بسیار زیاد است. در عین حال، مردم نیز آمادگی پذیرفتن اقدامات سخت اقتصادی نیستند و توقع دارند که دولت نه تنها مالیاتها را افزایش ندهد که بر هزینه‌های عمومی بهفزاید.

#### وضع در ایرلند شمالی (الستر)

با وجود تمام مشکلات اقتصادی و سیاسی، جمهوری ایرلند بالاخره کشوری است مستقل تمامی این مشکلات کم و بیش برای سایر کشورهای اروپائی هم بیگانه نیستند و در نهایت، حل شدن یا مجمل ماندن آنها سرنوشت مشترکی است برای تمام این کشورها. لکن در آلستر وضع متفاوت بوده و ابعاد دیگری دارد.

به طور رسمی، ایرلند شمالی با بریتانیای بزرگ (شامل انگلستان، اسکاتلند، ویلز) متحد است. از لحاظ داخلی خود مختار و از نظر خارجی تابع دولت انگلستان است. مجلس محلی دارد که استورمونت<sup>۱</sup> نامیده می‌شود. در کابینه‌ی انگلستان، "وزیر مشاور برای ایرلند

شمالی" (در حال حاضر آقای هامفری اتکینز) رابط آن ایالت با دولت مرکزی است. از ۱۹۷۲ بر که آشوبهای سیاسی و مذهبی در آنجا دامن گرفت، لندن اداره‌ی امور آنجا را مستقیماً "بر عهده گرفته و در ادواری بیش از بیست هزار قشون به آنجا گسیل داشته است.

در ۱۹۷۴، دولت انگلستان کوشید تا با ایجاد یک حکومت محلی متشکل از تمام نیروهای متنازع<sup>۱۰</sup> اوضاع را آرام کند. لکن این برنامه با سوءظن و مخالفت طرفین درگیر مواجه شد و ناگام ماند. بعضی ناظران (از جمله شین مک براید مبارز معروف حقوق بشر و همکار سازمان عفو بین‌المللی) معتقدند که انگلستان در پیشنهاد این برنامه صادق نبود. "آنها نمی‌خواهند تجزیه‌ی ایرلند پایان گیرد. هرچند که (حفظ) ایرلند شمالی برای آنها مستلزم صرف هزینه‌های گزاف است، آنها از جنگ در این راه و حمایت‌های سیاسی و اقتصادی از (ادامه‌ی) تجزیه‌ی ایرلند ابائی ندارند."

این وضع خاص، همراه با سوءظن و گاه نفرت از انگلیسیان، با گروه‌بندیهای مذهبی دست به دست هم داده و شرایطی بحرانی و فاقد ثبات در آلستر پدید آورده است. همانطور که گفته شد از سکنه‌ی ایالت آلستر حدود یک میلیون نفر پروتستان و حدود نیم میلیون نفر کاتولیک هستند که از دیرباز با یکدیگر در تعارض بوده‌اند. هر دو گروه (بخصوص کاتولیک‌ها) نسبت به نیت انگلستان مشکوکند. کاتولیک‌ها خواهان الحاق به جمهوری ایرلند و پروتستانها عمدتاً "خواستار حفظ وضع موجود هستند که در اکثریت بودن و مواضع برتر اقتصادی و سیاسی آنها را محفوظ می‌دارد. هر دو گروه سازمانهای سیاسی و نظامی خود را دارند.

پروتستانها در احزاب "طرفداران اتحاد (با پادشاهی متحده‌ی انگلستان) تحت رهبری افرادی چون یان پیزلی و جیمس مولینو متشکلند. گروههای اصلی نظامی آنها "هنگ دفاع از آلستر" و "ارتش دفاع از آلستر" نام دارند که دستجاتی مسلح و ضربتی‌اند.

پیزلی که کشتی ۵۵ ساله و در خطابه و جلب جماعت چیره دست است، از چندین دوره‌ی قبل به نمایندگی آلستر در مجلس عوام انگلستان انتخاب می‌شود. او که در بین پروتستانهای متعصب و جناحهای نظامی آنها نفوذ زیادی دارد، هر لحظه که بخواهد میتواند جماعت را به تظاهرات خیابانی کشانیده یا به خرابکاری و تفنگ‌کشی وا دارد. دو سال قبل، در انتخابات آلستر برای برگزیدن نماینده‌ی جهت پارلمان اروپائی، پیزلی تمام رقبا را به سادگی از میدان بدر کرد و به تعبیری فعلاً "قدرتمندترین سیاستمدار آلستر است. تجربه‌ی ایجاد حکومت محلی متشکل از تمام نیروهای متنازع را نیز همو عمدتاً" با سراه انداختن تظاهرات و خرابکاریها عقیم گذارد.

سخت‌گیری دولت انگلستان در مورد زندانیان اعتصابی بیزبعضا<sup>۱۱</sup> ناشی از موضع‌گیریهای سخت پیرلر و پروتستانهای طرفدار اوست. هر حرکت مسالمت‌جویانه‌ی دولت نسبت به کاتولیک‌ها، با عکس‌العمل تند و هشدار دهنده‌ی پروتستانها مواجه می‌شود. اخیراً "که دولت یکی از محکومین (ابرا) را که سلامتی به کلی مختل شده بود آزاد کرد، پیزلی شدیداً" عکس‌العمل نشان داد. به قول یکی از سخنگویان نخست‌وزیری انگلستان، هر نوع گذشته‌ی

نسبت به یک طرف، منتهی به ناراحتی و برآمدن خشونت از جانب طرف دیگری شود. به خصوص "اعراض نسبت به کاتولیکها و زندانیان اعتصابی، واجد این خطر است که پیزلی را در رهبری تام و بلامنازع جامعهی پروتستان قرار داده و حکومت کردن بر آلستر را به کلی غیرممکن سازد." کاتالیکها نیز سازمانهای سیاسی و نظامی خود را دارند. معروفتر از همه "ارتش جمهوری خواه ایرلند" (علامت اختصاری "ایرا")<sup>۱۱</sup> است که متشکل از شاخه‌های نظامی و سیاسی است و خواستار یکی شدن دو ایرلندند. شاخه‌ی سیاسی "ایرا"، در تعقیب نهضت جمهوریخواه شین فین در اوایل قرن حاضر، به همین نام خوانده می‌شود. برنات دولین که حدود پانزده سال قبل در عنفوان جوانی از آلستر به نمایندگی مجلس عوام انگلستان انتخاب شد، باین شاخه تعلق دارد. هر چند که او نتوانست دیوارهای سدید تشریفات پارلمانی لندن را شکافته و نقش مهمی بازی کند، بخصوص که حامله شدن غیر مشروعش به وجهی او لطمه زد و بعد از ازدواج نیز دیگر برای مجلس عوام انتخاب نشده هنوز یکی از سخنگویان شین فین به شمار می‌رود. هم‌اخر "در مصاحبه‌ای متنی خواند به این مضمون که دولت ایرلند جنوبی باید متعهد شود که در صورت کردن نهادن انگلستان به تقاضای زندانیان "ایرا"، با آن دولت قطع رابطه کند.

از لحاظ دولت انگلستان، عقاید تندی از این قبیل و نیز موضع گیریهای بنیادگرایان مذهبی پیرو کشیش پیزلی از عوامل مهمی هستند که در جریانات اخیر مانع تعدیل و تسامح سیاست دولت شده‌اند.

در عین حال، باید توجه داشت که "ایرا" و روشهای عملیاتی آن هیچگاه مورد حمایت کامل کاتولیک‌های آلستر نبوده است. به نظر مک براید "دولت خانم تاجر با موضع گیری - های سرسختانه‌ی خود نسبت به زندانیان در حقیقت موجب تقویت "ایرا" شده است که قبلاً" حمایت چندانی به دنبال نداشت. "او همچنین معتقد است که این موضعگیری تعبیر ناپذیر "نمونه‌ی کامل برداشت انگلیسیان نسبت به مسأله‌ی ایرلند است. ما به این نتیجه رسیده‌ایم که سیاستمداران انگلیسی - اعم از چپ و راست - از درک موضوع عاجزند. آنها ندرتا" فراتر از مشکلات روزمره می‌اندیشند و کمتر عواقب اعمال خود را تحلیل می‌کنند."

در "ایرا"، چپ روان ایرلندی پا خواسته‌های مارکسیستی نیز وجود دارند که از حمایت روشنفکران چپ بریتانیا برخوردار هستند. در بخش نظامی، ارتش ملی آزاد ببخش ایرلند<sup>۱۲</sup> در داخل و همگام با "ایرا" فعالیت دارد.

به نظر چپ روان، مبارزات هنوز اساساً "فاقد مبانی طبقاتی است. حتی در آلستر، مبارزه بیشتر رنگ احساسات ناسیونالیستی و عکس العمل نسبت به تبعیضات موجود و خشونت های ارتش دارد. در صورتی که در کشوری صنعتی و شهری مثل ایرلند، مبارزه برای آنکه از لحاظ تاریخی و اجتماعی واجد معنا شود باید به مبارزات طبقاتی معطوف گردد. در حال حاضر، سرمایه گذارهای بزرگ انگلیسی و شرکتهای چند ملیتی، هم در شمال و هم در جنوب باعث برآمدن واسطه‌ها و سرمایه‌دارانی وابسته شده که عملاً "خواهان ادامه‌ی وضع موجود



هستند. سیاست‌های اعتدالی و مسامحه‌جویانه‌ی جمهوری ایرلند نیز ناشی از همین واقعیت است. طبقات زحمتکش در هر دو بخش ایرلند تحت ستم قرار دارند. هر چند که غالب بودن اختلافات و تعصبات مذهبی مانع اتحاد کارگران پروتستان و کاتولیک شده، باید با آگاهی بخشیدن به آنها موجب گردید که نفوذ سرمایه‌داری و سیاست‌های امپریالیستی انگلستان از کل ایرلند ریشه کن شود.

به نظر روشنفکران چپ، وقتی که با حمایت بریتانیا بالاخره اتحادیه خواهان (عمدتاً پروتستانها و نیز صاحبان سرمایه و صنعت وابسته به بریتانیا) عملاً "بر آلستر مسلط شدند (دهمهای سوم و چهارم قرن حاضر)، به‌طور منظم به چند اقدام دست زدند: ۱) - محروم ساختن مخالفین از هر نوع مشارکت با معنا در قدرت سیاسی و مستحکم ساختن روز افزون مبنای قدرت خود و ۲) - اعمال منظم تبعیض علیه کاتولیک‌ها و نیز پروتستانهای "غیروفا دار" یک بررسی آماری در سال ۱۹۷۵ نشان داد که کارگران ماهر نوعاً "در جامعه‌ی پروتستان و کارگران غیر ماهر در بین کاتولیک‌ها اکثریت دارند. و هر چند که کاتولیک‌ها یک سوم جمعیت آلستر را تشکیل می‌دهند، اکثریت افراد فاقد اشتغال متعلق به آنها هستند. تجزیه‌ی ایرلند باعث موجی از "عملیات قهرقرائی" در جنوب نیز شد. این تجزیه بخش اعظم نواحی صنعتی را از جمهوری ایرلند جدا ساخت و به این خاطر که جنوب را اساساً "به صورت یک کشور کاتولیک درآورد، باعث تقویت کلیسای کاتولیک گردید.

از لحاظ این روشنفکران، نظر به اینکه تمام اقدامات اصلاحی (رفورمیستی) مواجهه با شکست شد. این نتیجه حاصل است که هر نوع برنامه با ماهیت رفورمیستی محکوم به شکست بوده و ثبات ایرلند تنها در سایه اقدامات حاد برای برانداختن نفوذ سرمایه‌داری بریتانیا قابل تحقق است. در عین حال، باید توجه داشت که چپ بریتانیا از برداشته‌اشی اساساً "امپریالیستی (بی اعتنائی، بی تفاوتی، و بی حوصلگی)، که تمامی تاریخ مناسبات بریتانیا و ایرلند آکنده از آنهاست، متاثر است. این نکته‌ی قابل ملاحظه‌ای است که در یکی دو دهه‌ی گذشته، تقریباً "تمام کتابها و مقالات مهم راجع به ایرلند فقط توسط نویسندگان ایرلندی تدوین شده‌اند.

### زندانیان و اعتصاب غذا

در یکی دو ساله‌ی اخیر اوضاع آلستر روبه آرامش نسبی داشت. حتی انگلستان قشون خود را نصف کرده به حدود ۱۱۰۰۰ تقلیل داده بود. لکن، مسأله‌ی زندانیان و اعتصاب غذای برداشته‌ی آنها به ناگهان موجب تغییر اوضاع گردید. مبارزان "ایرا" که در زندان "میز" ۱۲ در حومه‌ی بلفاست زندانی هستند و غالباً "به اتهامات گوناگون آدم کشی، حمل غیر قانونی اسلحه، هجوم به بانکها، و خرابکاری‌های منجر به مرگ محکومیت‌های سنگینی دارند، از مدتی قبل عکس‌العمل‌های خاصی بروز داده‌اند.

سابقه به ۱۹۷۶ بر میگردد که دولت مقرراتی شبیه به مجرمین عادی در زندان راجع به آنها جاری کرد (و در حقیقت حالت زندانی سیاسی را از آنها سلب نمود). زندانیان، در

ابتدا اعتراض خود را به صورت نپوشیدن لباس زندان، عربان راه رفتن، و نیز انباشتن سلولها از مدفوع خود ظاهر ساختند. دولت تمام آنها را در یک بلوک زندان که از لحاظ ساختمانی به حرف اچ انگلیسی شباهت دارد. ۱۴ متمرکز کرد. زندانیان به دستور "ایرا" شروع به نوعی سازماندهی بین خود کردند که در رأس آن یک زندانی "ایرا" قرار دارد. سپس پنج تقاضا مطرح ساختند: (۱) حق پوشیدن لباسهای خود به جای لباس رسمی زندان، (۲) معافیت از کار اجباری زندان، (۳) آزادی تجمع در زندان، (۴) حق ملاقات بیشتر و دریافت نامه‌های زیادتر از خارج، و (۵) ابقای مجدد حق عفو مشروط که بخاطر جریان اعتراض زندانیان منقضی شده بود.

وقتی که دولت به خواسته‌های آنها وقتی ننهاد، زندانیان عکس العمل تندتری نشان دادند که همان اعتصاب غذا بود. بابتی ساندز (صفحه‌ی بعد) که به سخنگویی زندانیان انتخاب شده بود در این راه پیشقدم شد. او وقت شروع اعتصاب غذای خود را طوری انتخاب کرد که دوره‌ی بحرانی‌اش با عید پاک مقارن گردد که از زمان کشتار ۱۹۱۶ حالت هیجان‌سوز و عاطفی خاصی در آستر بر می‌انگیزد. اعتصاب غذای مصمانی او که بالاخره به مرگش انجامید و دیگر زندانیان نیز به نوبت کار او را دنبال کردند (تا زمان نوشتن این گزارش ۹ تن از آنها مردماند و پنج نفر دیگر اعتصاب غذا را آغاز کرده‌اند). از لحاظ انعکاس وسیع مسأله‌ی ایرلند در جهان تاکتیک کارآمدی بود. هر چند که این جریان به هلاک شدن تعدادی از مبارزان انجامیده و خواهد انجامید، اوضاع را به صورتی درآورده که به اغلب احتمال سرانجام به وضع تدابیری، به نفع آنها منجر خواهد گردید.

